

استاد دانشگاه قربانی نقشه شوم همسر



شناسه خبر : ۱۲۵۹۴۷ شنبه ۱۸ آذر ۱۴۰۲ - ۰۸:۰۰

زن جوان که متهم است با همدستی یک مرد جوان نقشه قتل شوهرش را طراحی و اجرا کرده درحالی محاکمه شد که مدعی است دختر ۱۲ ساله‌اش قرص برنج را داخل سوپ پدرش ریخته است.

به گزارش موج خبر، اواخر دی سال گذشته خبر ناپدید شدن یک استاد دانشگاه به پلیس اعلام شد. پدر این مرد ۴۵ ساله گفت: چند روزی است که پسر من ناپدید شده است خیلی نگرانم هستم چون با همسرش اختلاف داشته و هر چه از عروسم سراغ پسر من را می‌گیرم مدعی است که از او خبری ندارد.

وقتی زن جوان برای تحقیق احضار شد منکر اطلاع از سرنوشت شوهرش شد اما در ادامه تحقیقات دختر جوانی که از دوستان عروس خانواده بود با مراجعه به پلیس راز هولناکی را فاش کرد و گفت: دوستم شیما با شوهرش خیلی اختلاف داشت همیشه برایم درد دل می‌کرد تا اینکه مدتی قبل به من گفت با پسر جوانی که مهندس است آشنا شده و با هم ارتباط نزدیکی دارند. چندباری هم که با آن پسر قرار ملاقات داشت مرا با خودش برد و یک بار که در کافه نشسته بودیم فهمیدم می‌خواهند شوهرش را بکشند. حالا که فهمیدم شوهرش ناپدید شده تصمیم گرفتم این موضوع را خبر بدهم.

با این اطلاعات بلافاصله شیما و مرد جوان بازداشت شدند. زن جوان که چارهای جز بیان حقیقت نداشت به قتل اعتراف کرد و گفت: همسرم استاد دانشگاه بود و یک دختر ۱۲ ساله هم داریم اما با هم اختلاف داشتیم تا اینکه با ساسان آشنا شدم. بعد از مدتی تصمیم گرفتم شوهرم را بکشم به همین خاطر با کمک دخترم قرص برنج داخل غذای شوهرم ریختم و وقتی حالش بد شد ساسان به خانه مان آمد و با اسلحه شوهرم را کشت. بعد هم با کمک یکدیگر جسد را به جاده ساوه بردیم و آتش زدیم.

با اعترافات این زن همدستش بازداشت شد و به قتل اعتراف کرد. پس از تکمیل تحقیقات پرونده به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران رفت.

در دادگاه چه گذشت

در ابتدای جلسه دختر مقتول برای قاتل پدرش درخواست قصاص کرد. سپس ساسان پای میز محاکمه ایستاد و ضمن اعتراف به قتل گفت: من مهندس آی تی هستم و از شهرستان برای کار به تهران آمدم وقتی با شیما آشنا و کم کم به او علاقه مند شدم برایم درد دل کرد و گفت که از رفتارهای شوهرش خسته شده است با اینکه شوهرش مردی پولدار بود و در شمال تهران خانه و زندگی لوکسی داشتند اما شیما می گفت از زندگی اش راضی نیست، روزی که با من تماس گرفت و گفت شوهرش را بی هوش کرده من به خانه اش رفتم و با اسلحه شکاری شوهر او را کشتم بعد جسد را در ماشین گذاشتیم و به جاده ساوه بردیم. شیما روی جسد بنزین ریخت و من آن را آتش زدم. اما وقتی زن جوان روبه روی قضات ایستاد اتهام معاونت در قتل را نپذیرفت.

وی گفت: قبول دارم با شوهرم اختلاف داشتم اما حرف های ساسان موجب شد تا تصمیم به قتل شوهرم بگیرم. او خودش قرص برنج را به من داد؛ اما این دخترم بود که قرص را در سوپ پدرش ریخت. وقتی شوهرم بی حال شد ساسان به خانه مان آمد. او بالشی روی سر شوهرم گذاشت و شلیک کرد. بعد هم خودش به تنهایی جسد را به جاده ساوه برد و آتش زد.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

منبع: روزنامه ایران

انتهای پیام/